



متعهد به حقیقت

من ۶۶ یا ۶۷ سال پیش ایشان را برای اولین بار زیارت کردم. ایشان در آن زمان ۳۰ سال داشتند و آمده بودند که به پیشنهاد دکتر مصدق، در شهر یزد نماینده مجلس شوند. روزی در خانه پیری ایشان زیارت کردم. دو روحانی که هر دو علاوه بر فضایل علمی، بسیار مؤدب بودند. گو بالاخره تقابل پیری و جوانی است اما من متعجب بودم که چرا پیر، این قدر برای جوان احترام قائل است. البته می‌دانستم مرحوم حائری فرزند بنیان‌گذار حوزه علمیه قم است، اما این همه احترام، برایم غیرعادی بود. در این زمینه پرسش کردم و پیر ما چنان در فضایل مرحوم حائری حرف زدند که در نظر من یک فیلسوف و فقیه بزرگ تصویر شد که آینده درخشانی در علم دارد. آن‌جا بود که فهمیدم ایشان نمایندگی مجلس را نمی‌پذیرد. هم مرحوم آقای بروجردی و هم دکتر مصدق به آقای حائری علاقه داشتند و ایشان نیز به آن دو بزرگوار علاقه روشنی داشتند.

زمانی که من دانشجوی فلسفه در دانشگاه تهران بودم، هنوز کتاب‌های زیادی در فلسفه و به ویژه فلسفه اسلامی نداشتیم تا اینکه آقای حائری کتاب «علم کلی» را نوشتند. این کتاب به فارسی خوبی نوشته شد و با اینکه نوشته مرحوم فاضل را نیز دکتر خوانساری ویرایش کردند، ولی نوشته مهدی حائری روان‌تر بود. آشنایی علمی من با ایشان نیز از خواندن کتاب «علم کلی» آغاز شد. یکی از کلاس‌های درس ایشان همین کلاسی بود که به اسم «کاوش‌های عقل نظری» چاپ شد. یکی از برکات مهم آن زمان وجود مرحوم آقای بزرگمهر در کلاس‌های آقای حائری بود. آقای بزرگمهر استاد فلسفه بودند و در همه جلسات کلاس دکتر حائری حضور داشتند. ایرادها و اشکال‌های بزرگمهر از موضع فلسفه تحلیلی خیلی مهم بود و بحث‌های فلسفی خاصی داشتند که به ویژه بحث‌های منطقی مهمی مطرح می‌کردند. بزرگمهر از مهدی حائری خواهش کرد که مطالب را بنویسند و بزرگمهر به خرج خود کتاب «کاوش‌های عقل نظری» را چاپ کردند. ما در فلسفه عملی نیز کار چندانی انجام نداده بودیم تا این‌که رساله دکتری ایشان در کانادا به دست ما رسید.

آقای حائری بسیار آزاده و فیلسوف آزاد بودند. ایشان دین و فلسفه را مانند همه فیلسوفان یکی می‌دانستند. تعبیر خودشان این بود که ما با علم و با حقیقت عهدی داریم و این عهد را با هیچ عهد دیگری

معاوضه نمی‌کنیم. هیچ عهدی نمی‌تواند شکننده عهدی که با حقیقت و علم داریم، باشد. تمام عمر را به آموختن سپری کرد و هم آموخت و هم تعلیم داد.